: https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.67210.0
مقالهٔ پژوهشی- مطالعه موردی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱٤۰۰، شمارهٔ پیاپی ٣٦

سازگاری و هویت مکانی مهاجران: روابط و تعدیل‌گرها
(مطالعهٔ موردی: مهاجران ساکن شهر اصفهان)

رعنا شیخ بیگلو (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، نویسندهٔ مسئول)
r_shaykh@shirazu.ac.ir
زهرا سلطانی (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)
z.soltani@scu.ac.ir

صص ۱۱۸ ـ ۸۹

چکیده

مهاجرت با هر قصد و هدفی که انجام شود، یک فرایند است و مستلزم گذراندن مراحل خاصی است که سازگاری با محیط و جامعهٔ مقصد، یکی از مهم‌ترین این مراحل است. در فرایند سازگاری، الگوهای رفتاری مهاجران دستخوش تغییراتی می-شود و جنبه‌های مهمی از هویت شخصی آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تبیین میزان و نحوهٔ سازگاری مهاجران با شرایط محیط جدید می‌تواند در توضیح بسیاری از پدیده‌های مرتبط با مهاجرت مؤثر واقع شود. نظر به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با مطالعهٔ نمونه‌ای متشکل از ۳۸۵ نفر از مهاجرانی که از سایر سکونتگاه‌های شهری و روستایی سراسر ایران به قصد اقامت دائم وارد کلان‌شهر اصفهان شده‌اند و با تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از طریق پرسش‌نامه، به بررسی اثر ابعاد مختلف سازگاری بر هویت مکانی پرداخته و اثر تعدیل‌گری برخی متغیرها را آزمون نموده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری مختلف و بهره‌گیری از نرم‌افزار

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

SPSS و افزونهٔ Process صورت گرفته است. نتایج آزمون تی‌تک‌نمونه‌ای نشان داد مقدار میانگین متغیر هویت مکانی و ابعاد سه‌گانهٔ سازگاری شامل سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی بالاتر از حد متوسط می‌باشد ($p\text{-value} < 0.001$). یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون نیز نشان داد سازگاری بر هویت مکانی اثر مثبت و معناداری دارد، به طوری که حدود ۵۲ درصد از واریانس هویت مکانی، توسط واریانس سازگاری روانی، محیطی و اجتماعی تبیین می‌شود. بر اساس نتایج، متغیرهای تحصیلات و مدت اقامت در رابطهٔ بین سازگاری محیطی و هویت مکانی مهاجران به‌عنوان تعدیل‌گر نقش ایفا می‌کنند. این در حالی است که نقش تعدیل‌گری متغیرهای جنس، سن و مبدأ استانی مهاجرت در رابطهٔ میان ابعاد مختلف سازگاری و هویت مکانی مهاجران تأیید نشد.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، سازگاری، هویت مکانی، کلان‌شهر اصفهان.

۱. مقدمه

افراد به دلایل متعددی از مکانی به مکان دیگر مهاجرت می‌کنند که در بسیاری موارد، هدف و دلیل اصلی این تغییر مکان، بهبود شرایط زندگی یا رهایی از فقر و محرومیت است. صرف نظر از نوع انگیزه و هدف، مهاجرت مستلزم گذراندن مراحل خاصی است و در نتیجه، یک فرایند است (ویروپاکشا، کومار و نیرمالا[1]، ۲۰۱٤، ص. ۲۳۳). مهاجران از لحظهٔ ورود به جامعهٔ میزبان، باید مکانی برای خود فراهم نمایند. آن‌ها باید در تدارک خانه، شغل، درآمد، مدرسه برای فرزندان و غیره بوده و به مراکز درمانی دسترسی داشته باشند. به علاوه، باید مکانی برای تعاملات اجتماعی و برقراری ارتباط با سایر افراد و گروه‌های جامعه بیابند. آن‌ها همچنین باید با نهادهای جامعهٔ میزبان آشنا شوند. جامعهٔ میزبان نیز باید مهاجران را به‌عنوان بازیگران سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بشناسد و بپذیرد. فرض بر این است که همهٔ این موارد به صورت یک فرایند دو طرفه عمل می‌کنند که طی آن، مهاجران سازگار می‌شوند و تغییر می‌کنند، البته جامعهٔ میزبان نیز بی‌تأثیر نخواهد ماند. در واقع، یک تعامل بین مهاجران و جامعهٔ

1. Virupaksha, Kumar & Nirmala

پذیرای آن‌ها وجود دارد که ویژگی‌ها و واکنش‌های جامعه به تازه‌واردان، تعیین‌کنندۀ جهت و نتایج زمانی فرایند سازگاری و ادغام است (پنینکس[1]، ۲۰۱۹، ص. ۵).

مهاجرت به معنی سازگاری با زمینه‌های جدید است که مستلزم ادغام هویت‌ها و سیستم‌های اجتماعی و فرهنگی در آن زمینه می‌باشد. مهاجرت و تماس‌های بین فرهنگی ناشی از آن می‌تواند چالش‌هایی برای هویت‌های اجتماعی و جامعه به همراه داشته باشد که این مسئله، در بهزیستی و احساس هویت بازتاب می‌یابد (سون[2]، ۲۰۰۲، ص. ۲۰۶). در بسیاری از موارد، مهاجران با محیط‌هایی مواجه می‌شوند که از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با محیط زندگی قبلی آنان دارد، به طوری که در جهت سازگاری، ناگزیر به پذیرش تغییرات زیادی در رفتار، کردار و گفتار خود می‌شوند. گاه در فرایند سازگار شدن با محیط جدید، مشکلات زیادی برای مهاجران حادث می‌شود که یکی از پیامدهای آن ایجاد استرس و فشارهای روانی است (ایمان و مرادی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۹). در واقع، مسائلی نظیر عدم آمادگی، مشکلات در سازگاری با محیط جدید، پیچیدگی سیستم محلی، مشکلات زبان، تفاوت‌های فرهنگی و تجربیات نامطلوب باعث تشویش خاطر مهاجران می‌گردد که بر بهزیستی و سلامت روانی جمعیت مهاجر اثر منفی می‌گذارد (ویروپاکشا، کومار و نیرمالا ، ۲۰۱۴، ص. ۲۳۳). به‌ویژه در کلان‌شهرها با ملیت‌ها و قومیت‌های گوناگون، مسئلۀ سازگاری با تغییرات قابل توجهی در رفتارهای فردی و اجتماعی مهاجران همراه است که گاهی رنج و مشقت زیادی به آنان تحمیل می‌کند. در این فرایند سازگاری، الگوهای رفتاری مهاجران دستخوش تغییراتی می‌شود که بر جنبه‌های مهمی از هویت شخصی و فرهنگی آن‌ها اثر می‌گذارد. اگرچه مهاجران خود را با برخی از معیارهای جامعۀ میزبان سازگاری می‌دهند، همچنان نوعی احساس معلق بودن می‌کنند، به طوری که میان پیوندهای عمیق و ناخودآگاه به فرهنگ بومی خود و نگرش جدیدی که حس می‌کنند برای تحقق اهدافشان به آن نیازمندند، سر در گم هستند (جمالی، ۱۳۸۱، ص. ۷۶).

1. Penninx
2. Sonn

اگرچه سازگاری مهاجران یک تجربهٔ چالش‌برانگیز است، در عین حال برای بسیاری از افراد و گروه‌ها می‌تواند امیدی برای داشتن آیندهٔ بهتر و برخورداری از ایمنی و امنیت بیشتر باشد. فرایند سازگاری مهاجران همیشه به صورت واکنش‌های منفی نیست، بسیاری از افراد و گروه‌های مهاجر سیستم‌های اجتماعی و فرهنگی مبدأ خود را با مکان و فرهنگ جدید تطبیق می‌دهند. این فرایند سازگاری، منجر به ایجاد انسجام هویتی و حس اجتماع می‌شود که اثر مهمی بر بهزیستی روانی و اجتماعی دارد (سون، ۲۰۰۲، ص. ۲۰۵). در واقع، سازگاری با جامعهٔ مقصد فرایندی است که به موجب آن، مهاجران با امکانات مادی و الگوهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعهٔ مقصد آشنا می‌شوند. آشنایی با این الگوها و امکانات جدید می‌تواند تغییرات ایده‌آلی را ایجاد کند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت مهاجران نسبت به بهره‌مندی از امکانات و تسهیلات موجود در جامعهٔ مقصد اشتیاق زیادی داشته باشند و همچنین به ارزش‌های این جامعه متعهدتر شوند (ویلیامز، تورنتون و یانگ-دمارکو[1]، ۲۰۱٤، ص. ۸۰۰). از یک منظر می‌توان سازگاری مهاجران را به‌عنوان یک فرایند ساخت اجتماع تعبیر نمود که گفتگو و یکپارچگی سیستم‌های فرهنگی و هویتی شکل‌گرفته در یک زمینه را با یک زمینهٔ جدید امکان‌پذیر می‌سازد و به توسعهٔ پیوندها با مکان جدید منجر می‌شود (سون، ۲۰۰۲، ص. ۲۰۵). مهاجران سعی می‌کنند با جامعهٔ سکونتگاه خود در تعامل باشند و فراتر از آن، یک حس هویتی جدیدی را ایجاد کنند. شناسایی شدن با سکونتگاه جدید می‌تواند پیامدهای مثبت رفاهی، آموزشی و اقتصادی برای مهاجران داشته باشد (کاردناس و ورکویتن[2]، ۲۰۱۹، ص. ۱).

در پژوهش‌های پیشین در زمینهٔ مهاجرت، عمدتاً بر مسائل اقتصادی و فرهنگی تأکید شده است و مسائلی نظیر سازگاری روان‌شناختی و عوامل مؤثر بر آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است (طالبی و امیری مجد، ۱۳۹۸، صص. ٢٦-٢٧). از طرفی، هویت مکانی مهاجران نیز از جمله موضوعات مهمی است که در مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در حوزهٔ مهاجرت، تا حد زیادی مغفول واقع شده است. با توجه به این که از چند دههٔ قبل، کلان‌شهرهای کشور، مقصد اصلی بسیاری از حرکت‌های مهاجرتی از روستاها و شهرهای کوچک بوده‌اند و سهم

---

1. Williams, Thornton & Young-DeMarco
2. Cárdenas & Verkuyten

جمعیت مهاجر از کل جمعیت این شهرها همواره رو به افزایش بوده است، مطالعه و تدقیق در خصوص اثرات متقابل جمعیت مهاجر و محیط فیزیکی و اجتماعی سکونتگاه مقصد ضروری می‌نماید. نظر به اهمیت موضوع و همچنین به منظور پر کردن خلأ تحقیقاتی مذکور در حوزهٔ مهاجرت، پژوهش حاضر به بررسی ابعاد مختلف سازگاری و هویت مکانی مهاجران ساکن در کلان‌شهر اصفهان پرداخته است. شهر اصفهان با جمعیتی قریب به ۲ میلیون نفر (بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵) سومین شهر پرجمعیت کشور و یکی از مقصدهای مهم مهاجران داخلی در سطح کشور محسوب می‌شود. با توجه به سهم بالای جمعیت مهاجر در ترکیب جمعیتی این شهر، شناخت و تدقیق پیرامون نحوه و کیفیت سازگاری مهاجران و همچنین هویت مکانی آن‌ها حائز اهمیت فراوانی است که می‌تواند در اثربخشی برنامه‌ریزی‌های مکانی و اجتماعی آتی شهر مفید واقع شود.

۲. پیشینهٔ تحقیق

تاکنون مطالعات مختلفی پیرامون سازگاری مهاجران در مقصد مهاجرت در سطوح ملی و بین‌المللی انجام شده است که هر یک با رویکرد خاص خود به تشریح موضوع پرداخته‌اند. در زمینهٔ هویت مکانی نیز مطالعات مختلفی انجام شده است که البته تعداد معدودی از آن‌ها به بررسی هویت مکانی مهاجران پرداخته‌اند. در این میان، شمار بسیار اندکی از پژوهش‌ها به تبیین رابطهٔ سازگاری مهاجران و هویت مکانی آن‌ها پرداخته‌اند، به طوری که بیشتر پژوهش-های منتشرشده در این ارتباط، بر یکی از دو موضوع مذکور متمرکز شده‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

جمالی (۱۳۸۱)، فرایند سازگاری مهاجران با محیط‌های جدید - به ویژه محیط‌های گستردهٔ شهری که به هر دلیل به عنوان مقصدهای مهاجرتی انتخاب شده‌اند - را در مقیاس بین‌المللی و ملی بررسی نموده و مراحل مختلف مهاجرت به شهر تا تحکیم مواضع اجتماعی و اقتصادی مهاجران را تبیین کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد فرایند سازگاری در اغلب موارد اگر نه غیر ممکن، بسیار مشکل و پیچیده است و از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از مکانی به مکان دیگر و به اقتضای شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مناطق فرق می‌کند.

ربانی و پـالیزدان (۱۳۸۳)، در مطالعـه‌ای پیرامـون عوامـل اجتمـاعی مـؤثر در فرهنـگ‌پـذیری مهاجران شهر فیروزآباد دریافتند متغیرهای جنس، سن، میـزان تحصـیلات، نـوع شـغل، میـزان درآمد و مدت زمان اقامت مهـاجران در مقصـد تـأثیر بسـزایی در فرهنـگ‌پـذیری آن‌هـا دارد؛ درحالی‌که قومیت، محل سکونت قبلی و بُعد مسافت تأثیر معناداری بر فرهنگ‌پذیری مهاجران ندارد. حقیقتیان، غضنفری و تقوایی[1] (۱۳۸۷)، به بررسی عوامل مـؤثر بـر سـازگاری فرهنگـی مهاجران به شهر قائمیه پرداختند. نتـایج ایـن پـژوهش نشـان داده اسـت سـازگاری فرهنگـی مهاجران در حد متوسط بوده و متغیرهای سن، تحصیلات، مدت اقامت و درآمد رابطهٔ مثبت و معنی‌داری با سازگاری فرهنگی دارند. در حالی که فاصلهٔ محـل تولـد مهـاجر از قائمیـه دارای رابطهٔ منفی و معنی‌دار با سازگاری فرهنگـی مـی‌باشـد. ایمـان و مـرادی (۱۳۸۸)، رابطـهٔ بـین راهبردهای فرهنگ‌پذیری و سلامت روانی مهاجران ساکن در شهر کرمانشاه را بررسی نمـوده‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بین راهبردهای فرهنگ‌پذیری و فرهنگ‌پذیری در مقصـد و مدت اقامت با سلامت روانی مهاجران رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. ضمن آن کـه متغیرهـای راهبردهای فرهنگ‌پذیری و فرهنگ‌پذیری در مقصد، تحصـیلات، وضـعیت مسـکن، وضـعیت تأهل و منزلت شغلی در مجموع ٦۷ درصد تغییرات سلامت روانی مهاجران را تبیین می‌کنند.

طالبی و امیـری مجـد (۱۳۹۸)، در مطالعـه‌ای پیرامـون سـازگاری روان‌شـناختی نوجوانـان مهاجر ساکن در شهر اونتاریو کانادا دریافتند که مهارت‌هـای مقابلـه‌ای و فاصـلهٔ اجتمـاعی بـا میانجی‌گری سازگاری اجتماعی- فرهنگی، با سازگاری روان‌شناختی نوجوانـان مهـاجر رابطـهٔ مثبت دارد و مهارت مقابله‌ای مسئله‌مدار و فاصلهٔ اجتماعی، با در نظر گرفتن میـزان سـازگاری اجتماعی- فرهنگی مهاجران می‌تواند میـزان سـازگاری روان‌شـناختی را در نوجوانـان مهـاجر پیش‌بینی کند. بدین ترتیب که نوجوانانی که از مهـارت‌هـای مقابلـه‌ای بیشـتری برخوردارنـد، سازگاری اجتماعی- فرهنگی بیشتری در کشور مقصد خواهند داشت. بخش دیگـری از نتـایج این مطالعه حاکی از همبستگی مثبت و معنـادار سـازگاری اجتمـاعی- فرهنگـی و سـازگاری روانی است. ویلیامز، تورنتون و یانگ-دمارکو (۲۰۱٤)، با مطالعـهٔ گروهـی از مهـاجران نپـالی ساکن در خلیج فارس، بـه بررسـی ارزش‌هـا و باورهـای مهـاجران و چگـونگی تغییـر آن‌هـا

1. Haghighatian, Ghazanfari & Taghavi

پرداخته‌اند. نمونهٔ مورد مطالعه در این پژوهش بیشتر شامل افراد مادی‌گرا، خانواده‌محور با تقیدات مذهبی کمتر بوده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از نظر سازگاری، مهاجران مذهبی‌تر می‌شوند، کمتر به ارزش‌های تاریخی نپالی متوسل می‌شوند و نگرش آن‌ها نسبت به خانواده به صورت‌های مختلف تغییر می‌کند. گوریِوا، کویو و تاراروخینا[1] (۲۰۲۰)، در یک پژوهش پیرامون مهاجران بین‌المللی مقیم در کشور روسیه، با مطالعهٔ ۹۸ نفر از مهاجران ۱۹ تا ٤۲ ساله دریافتند که بین مهاجران با زمینه‌های قومی مختلف، تفاوت معناداری از نظر تعاملات اجتماعی در مقصد مهاجرت، فرهنگ‌پذیری، سطح اضطراب و رضایتمندی وجود دارد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع کاربردی و توصیفی- تحلیلی است که به مطالعهٔ ابعاد مختلف سازگاری مهاجران در سکونتگاه مقصد شامل سازگاری روانی، سازگاری اجتماعی و سازگاری محیطی پرداخته و اثر انواع سازگاری را بر هویت مکانی مهاجران تبیین نموده است. ضمن آنکه نقش تعدیل‌گری متغیرهای جنس، سن، مدت اقامت، سطح تحصیلات و مبدأ مهاجرت مهاجران در رابطهٔ میان ابعاد سه‌گانهٔ سازگاری و هویت مکانی نیز بررسی گردیده است. جامعهٔ آماری تحقیق، مهاجران هجده‌ساله و بزرگتر ساکن شهر اصفهان است که از سایر سکونتگاه‌های شهری و روستایی سراسر ایران به قصد اقامت دائم به این شهر مهاجرت نموده‌اند. با توجه به نامعلوم بودن حجم جامعهٔ آماری، حجم نمونهٔ آماری تحقیق بر اساس روش کوکران محاسبه گردید که با فرض میزان خطای ۰/۰۵ و مقادیر p و q برابر با ۰/۵، حجم نمونه ۳۸٤ نفر می‌باشد. به منظور اطمینان بیشتر، برای ٤۰۰ نفر پرسش‌نامه تکمیل شد که از بین آن‌ها پرسش‌نامهٔ ۳۸۵ نفر قابل استفاده بود.

داده‌های مورد نیاز تحقیق عمدتاً از طریق پرسش‌نامه و در دی‌ماه ۱۳۹۸ گردآوری شده است. سؤالات پرسش‌نامه در دو بخش تنظیم گردید؛ بخش اول سؤالاتی در خصوص ویژگی-های عمومی پاسخ‌گویان شامل سن، جنس، بُعد خانوار، سطح تحصیلات، مدت زمان اقامت

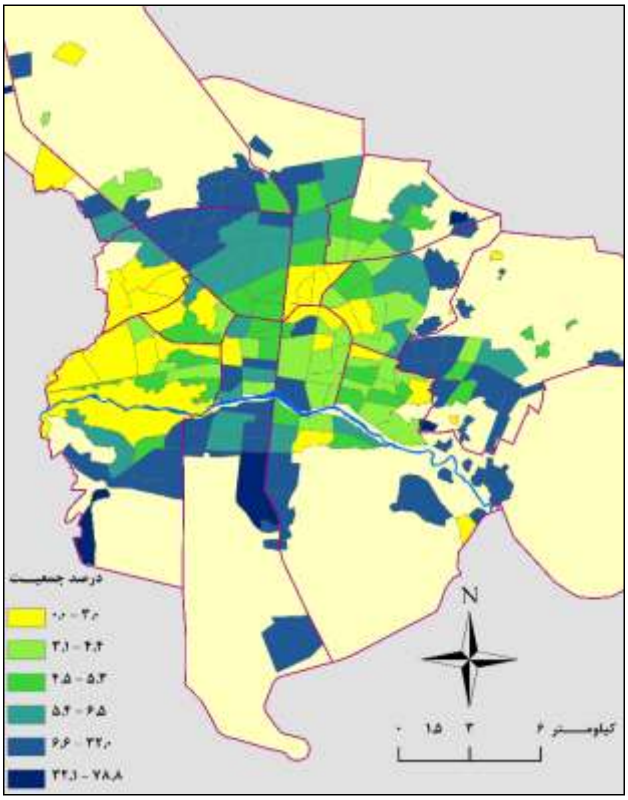
1. Gurieva, Kõiv & Tararukhina

در شهر اصفهان و سکونتگاه مبدأ مهاجرت می‌باشد. بخش دوم پرسش‌نامه شامل مجموعه‌ای از سؤالات در خصوص سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی مهاجران در مقصد مهاجرت (شهر اصفهان) و هویت مکانی آن‌ها می‌باشد. کلیهٔ سؤالات به صورت پنج‌گزینه‌ای در قالب طیف لیکرت – طیفی از گزینه‌های کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم – تنظیم شده است. تعداد پانزده سؤال به بررسی سازگاری مهاجران در ابعاد روانی، اجتماعی و محیطی به شرح زیر اختصاص داده شد. سازگاری روانی شامل پنج متغیر: احساس خوب از زندگی در این شهر، احساس آرامش خاطر، افزایش اعتماد به نفس، احساس انزوا و تنهایی (متغیر معکوس)، احساس مورد احترام بودن؛ سازگاری اجتماعی شامل پنج متغیر: سازگاری با مردم شهر، احساس راحتی و صمیمیت با مردم شهر، برقراری ارتباطات خوب اجتماعی، حفظ باورها و ارزش‌های فرهنگی خود بدون بروز تنش‌های اجتماعی، سازگاری و همزیستی مسالمت‌آمیز افراد با قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت؛ سازگاری محیطی شامل پنج متغیر: سازگاری با زندگی در محلهٔ مسکونی جدید، سازگار بودن فضاهای شهری با روحیات فرد، سازگاری با زندگی در این کلان‌شهر، سازگار شدن با انجام و کار و فعالیت در این شهر، تمایل به مشارکت برای ارتقاء کیفیت محیط می‌شود. چهار سؤال نیز به بررسی هویت مکانی مهاجران اختصاص داده شد که عبارتند از: هویت خود را وابسته به این شهر دانستن، احساس ریشه داشتن در این شهر، خود را اهل اصفهان دانستن و شهر اصفهان را بخشی از وجود خود دانستن. پس از حصول اطمینان از روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه و تأیید پایایی آن، اقدام به تکمیل پرسش‌نامه به تعداد مورد نیاز شد. قابل ذکر است ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۰۸ و قابل قبول می‌باشد.

تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری مختلف و بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS نسخهٔ ۲۵ صورت گرفته است. بدین ترتیب که با استفاده از آمار توصیفی و آزمون تی تک‌نمونه‌ای[1]، مشخصات عمومی پاسخ‌گویان و وضعیت کلی متغیرهای مورد مطالعه تبیین گردید. به منظور بررسی اثر سازگاری روانی، محیطی و اجتماعی مهاجران بر هویت مکانی از روش تحلیل رگرسیون استفاده شد. در نهایت، نقش تعدیل‌گری متغیرهای جنس، سن، مدت اقامت، سطح

1. One-sample T-test

تحصیلات و مبدأ مکانی مهاجران در رابطهٔ میان سازگاری و هویت مکـانی، بـا بهـره‌گیـری از افزونهٔ Process نسخهٔ 3.5 ارائه شده توسط هایس[1] مورد بررسـی قـرار گرفـت. شـایان ذکـر است چولگی و کشیدگی متغیرهـای مـورد مطالعـه در بـازهٔ (۲ و ۲-) قـرار دارد. حـوزه‌هـای جغرافیایی عمدهٔ سکونت مهاجران در شهر اصفهان در شکل ۱ نمایش داده شده است. همـان‌طور که ملاحظه می‌شود، سهم مهاجران در ترکیب جمعیت مناطق شرقی، شمال‌غربی و جنوب غربی شهر بیش از سایر مناطق می‌باشد.



شکل ۱- توزیع جغرافیایی جمعیت مهاجر در شهر اصفهان

مأخذ: شهرداری اصفهان، ۱۳۹٤

1. Hayes

٤. مبانی نظری تحقیق

٤. ١. مهاجرت

مهاجرت، یکی از واکنش‌های بالقوهٔ افراد و خانوارها در رابطه با محیط‌های حساس و آسیب‌پذیر و یا در مواقع تغییر شرایط محیطی است (مک‌لمن و هانتر[1]، ۲۰۱۰، ص. ٤٥۱). مدل‌های جاذبه و دافعهٔ مهاجرت نشان می‌دهند که افراد از مناطق در حال رکود اقتصادی و شرایط نامناسب گذران زندگی و معیشت، دفع شده و جذب مناطق مرفه می‌شوند (رستمعلی‌زاده، ۱۳۹٦، ص. ۱٥۰) به طور سنتی، مهاجران از مناطق روستایی به مناطق شهری مهاجرت می‌کنند و در این فرایند مجبور می‌شوند با شرایط زندگی شهری سازگار شوند (گلدلاست و ریچموند[2]، ۱۹۷٤، ص. ۱۹۹). مهاجرت به‌عنوان یکی از عوامل مهم در توزیع مجدد جمعیت، نقش مهمی در شهرنشینی شتابان جمعیت جهان، تعادل بین جمعیت و منابع و فشار جمعیت بر محیط طبیعی ایفا می‌کند (فاوست[3]، ۱۹۸٥، ص. ٥). در واقع، فرایند مهاجرت، انواع مختلف مکان‌ها در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی را تحت شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تلفیق می‌کند (کیان، ژو و لیو[4]، ۲۰۱۱، ص. ۱۷۲). می‌توان گفت مهاجرت یک پدیدهٔ اجتماعی و جزئی از جامعه است. مهاجرت همچنین به‌عنوان فرایند سازگاری افراد با محیط جدید تلقی می‌شود که شامل تصمیم‌گیری، آماده‌سازی، طی کردن مراحل، جابجایی فیزیکی به یک منطقهٔ جغرافیایی دیگر، سازگاری با فرهنگ محلی و پیوستن به سیستم محلی است. طی کردن این فرایند، اثرات مشخصی بر کل زندگی افراد دارد (ویروپاکشا، کومار و نیرمالا، ۲۰۱٤، ص. ۲۳۳).

به نظر می‌رسد تطابق و سازگاری با محیط‌های جدید شهری به‌ویژه در شهرهای بزرگ، در فرایندهای بسیار طولانی و در نسل‌های متعدد بعدی مهاجران امکان‌پذیر خواهد بود و آنچه در کوتاه مدت حاصل می‌شود، رعایت برخی از اصول و قوانین محلی است که برای مهاجر در آغاز زندگی در محیط جدید الزامی می‌نماید. در واقع، تغییرات اساسی در فرهنگ و آداب

1. McLeman & Hunter
2. Goldlust & Richmond
3. Fawcett
4. Qian, Zhu & Liu

و رسوم و باورهای مهاجر و وابستگی کامل به فرهنگ و پـذیرش قطعـی عناصـر اجتمـاعی و فرهنگی جامعهٔ مهاجرپذیر امری غیر ممکن به نظر می‌رسد. مهاجران ضمن آنکه ویژگـی‌هـای فرهنگی خود را محافظت می‌کنند، پاره‌ای از آداب و رسوم مقصد مهاجرت به ویژه بخشـی را که برای تثبیت وضع زندگی در محیط‌های جدید لازم است، کسـب مـی‌نماینـد و بـه تناسـب شدت وابستگی به مبدأ مهاجرت، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و اعتقادی خود را به نسـل‌-های بعدی منتقل می‌کنند (جمالی، ۱۳۸۱، صص. ۷۹–۷۸). با این وجود، برخـی ویژگـی‌هـا و شرایط مهاجران در دوران قبل از مهاجرت، در سازگاری بعدی مهاجران در محیط جدید تـأثیر می گذارد. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌هـا در جوامـع پیشـرفتهٔ صـنعتی، سـطح تحصـیلات و آموزش فنی مهاجران است. این مهارت‌ها غالباً در دوران قبل از مهـاجرت آموختـه شـده‌انـد، ولیکن در برخی موارد، مانند فرزندان خانوارهای مهاجر، ممکـن اسـت بعـد از مهـاجرت نیـز کسب شوند. به نظر می‌رسد سایر عوامل جمعیت‌شناختیماننـد جـنس، سـن، سـن در زمـان مهاجرت، وضعیت تأهل و بعـد خـانوار نیـز نقـش تعیـین‌کننـده‌ای در تجربـهٔ دوران پـس از مهاجرت داشته باشند (گلدلاست و ریچموند، ۱۹۷٤، ص. ۱۹۹).

بیشتر مطالعات مهاجرت با رویکرد کلان اقتصادی یا اجتماعی– جمعیت‌شناختی انجام شده است که به مهاجرت به عنوان یک پدیدهٔ کلی نگریسته‌اند. یـک دیـدگاه مکمـل نیـز در روان‌-شناسی مهاجرت اتخاذ شده که تمرکز مفهومی آن در سطح خرد است. روان‌شناسی مهـاجرت، مطالعهٔ رفتارهای جمعیت در ارتباط با تحرک فضایی است. مطالعات در این زمینـه اغلـب بـه ارتباطات ذهنی رفتارهای مهاجرتی مانند نگرش‌هـا، ارزش‌هـا، ادراکـات و اهـداف مهـاجرت پرداخته‌اند (فاوست، ۱۹۸۵، ص. ۵). در ادبیات روان‌شناسی اجتمـاعی، مـدل‌هـای مختلفـی از سازگاری با شرایط محیط جدید اجتماعی–فرهنگی مطرح می‌شود که بـه بررسـی موضـوعات مختلف پیرامون ویژگی‌های روانی و اجتماعی مهـاجران ماننـد سـازگاری روانـی مهـاجران و هویت قومی آن‌ها می‌پردازد (گوریوا، کویو و تاراروخینـا، ۲۰۲۰، ص. ۱). دامنـهٔ روان‌شناسـی مهاجرت را می‌توان با طرح دو سؤال تعریف نمود: چه عواملی در مهاجرت‌های اختیاری افراد مؤثرند؟ و عوامل محیطی مرتبط با تغییر مکان چه پیامدهایی برای افراد به همراه دارند؟ سـؤال نخست به ساختارهای انگیزشی و الگوهای تصمیم‌گیری در روان‌شناسی مهاجرت می‌پردازد و

سؤال دوم به مدل‌های تطبیق، فرهنگ‌پذیری و سازگاری مربوط می‌شود که موضوعاتی از قبیل استرس محیطی، سلامت ذهنی و روانی را مطرح می‌کند (فاوست، ۱۹۸۵، ص. ۵).

٤. ۲. سازگاری مهاجران

در تحقیقات و مطالعات مهاجرت، از مفاهیم مختلفی برای بیان فرایندهای مرتبط با پیامدهای مهاجرت استفاده کرده‌اند، مفاهیمی نظیر جذب[1]، تطبیق[2]، مدارا[3]، و سازگاری[4] (هامبرگر[5]، ۲۰۰۹، ص. ۲). در این میان، نخستین تلاش منسجم برای تبیین فرایند سازگاری مهاجران توسط اندیشمندان مکتب شیکاگو صورت گرفته است که نتیجهٔ آن، تبیین و تشریح فرایند سازگاری مهاجران در سه مرحله به شرح زیر بوده است: (۱) مرحلهٔ رقابت و تضاد: پس از اسکان مهاجران در محیط جدید، بین مهاجران و ساکنان بومی بر سر شغل، درآمد و سایر امکانات زندگی رقابت ایجاد می‌شود؛ زیرا ساکنان بومی، مهاجران را به مثابهٔ عامل تهدید و رقیب خود تلقی می‌نمایند. (۲) مرحلهٔ همراهی یا توافق: در این مرحله افراد مهاجر برای غلبه بر مشکلاتشان، برخی هنجارها و رفتارهای خود را تغییر می‌دهند و سعی می‌کنند رفتارشان با رفتار افراد بومی هم‌خوانی بیشتری داشته باشد؛ جامعهٔ میزبان نیز تا حد زیادی ترس و واهمهٔ خود نسبت به افراد مهاجر را از دست می‌دهد. (۳) مرحلهٔ هم‌رنگی یا همانندی: زمانی است که افراد مهاجر با پذیرش راه و رسم و ارزش‌های فرهنگ جامعهٔ میزبان، خود را شبیه اعضای بومی آن جامعه می‌کنند و در واقع در آن حل می‌شوند (حقیقتیان، غضنفری و تقوایی، ۱۳۸۷، ص. ٦۷).

پنداشته شدن و پذیرفته شدن فرد به‌عنوان عضوی از یک گروه بستگی به میزان مطابقت وی با هنجارهای گروه مربوطه دارد. بنابراین، افراد در جستجوی عواملی هستند که مطابقت آن‌ها را با هنجارهای گروه تأیید کند (کاردناس و ورکویتن، ۲۰۱۹، صص. ۳-۲). تحلیل‌های محققان در مورد ادغام اجتماعی و اقتصادی مهاجران، بسته به دیدگاه‌های آن‌ها در مورد

---

1. Absorption
2. Accommodation
3. Toleration
4. Adaptation
5. Hamberger

ماهیت ادغام، میزان ادغام و جامعه‌ای که مهاجران در آن ادغام می‌شوند، متفاوت است. دیدگاه‌های فرهنگ‌گرایانه بر جذب و ادغام نسبی مهاجران در جریان اصلی فرهنگی و زبانی تأکید می‌کنند و دیدگاه‌های ساختارگرایانه بر جایگاه تازه‌واردان در سلسله مراتب اجتماعی–اقتصادی جامعهٔ میزبان تأکید دارند و بر موضوعاتی نظیر پیشرفت شغلی، آموزش، فقر و غیره متمرکز می‌شوند. این دو نوع رایج ادغام، الزاماً پیامدهای یکسانی ندارند. به عنوان مثال، فردی که کاملاً در جریان اصلی فرهنگی و زبانی جامعه ادغام شده است، باز هم ممکن است نتایج ضعیفی را در بازار کار و تحصیلات تجربه کند. در مقابل، ممکن است فردی به لحاظ فرهنگی با جامعه هماهنگ نباشد، اما از نظر اقتصادی و شغلی عملکرد خوبی داشته باشد (پورتس و ریواس[1]، ۲۰۱۱، صص. ۲۲۲–۲۲۱). نظریات کارکردگرایی نیز بر تعادل اجتماعی، سازگاری و همانندی افراد مهاجر تأکید دارند و بیان می‌کنند که با گذشت زمان به تدریج فرایند سازگاری و تطابق با فرهنگ میزبان نمود می‌یابد (ربانی و پالیزدان، ۱۳۸۳، ص. ٦٤). در واقع، رفتارهای مهاجران با گذشت زمان در یک مقصد تغییر می‌کند و هر چقدر مدت زمان اقامت مهاجران در یک مقصد بیشتر باشد، آن‌ها با شرایط محیط جدید، بیشتر سازگار می‌شوند (ویلیامز، تورنتون و یانگ–دمارکو ، ۲۰۱٤، ص. ۸۰۰).

در فرایند سازگاری، سن افراد مهاجر متغیر مهمی محسوب می‌شود؛ زیرا افرادی که در سنین جوانی مهاجرت می‌نمایند، به دلیل اینکه در انتخاب نقش‌های اجتماعی خویش آزادی بیشتری دارند و از نظر شخصیتی انعطاف‌پذیرترند و از طرفی به دلیل این که عمر باقی‌ماندهٔ طولانی‌تری در پیش دارند، سرمایه‌گذاری در آموزش مهارت‌های جدید برای آن‌ها سودمند می‌باشد و از این رو، انگیزهٔ بیشتری برای سازگاری با محیط جدید دارند. سطح تحصیلات افراد عامل مهم دیگری در فرایند سازگاری مهاجران است. بدین ترتیب که افرادی که تحصیلات بیشتری دارند، از یک طرف به دلیل این که در کسب فرصت‌های شغلی از امکانات و اختیار بیشتری برخوردارند و از طرف دیگر، به دلیل اینکه در فرایند کسب تحصیلات، ارزش‌های عام یک جامعه را بیشتر درونی می‌کنند و در تحلیل مسائل و حل مشکلات،

1. Portes & Rivas

توانمند می‌شوند، توانایی بالاتری در سازگاری با محیط‌های گوناگون دارند (حقیقتیان، غضنفری و تقوایی، ۱۳۸۷، صص. ٦۸-٦۷).

بری[1] معتقد است افراد و گروه‌ها در جامعهٔ جدید بر اساس دو کیفیت متمایز به سازگاری می‌رسند: (۱) سازگاری روان‌شناختی (رفاه فردی)؛ (۲) سازگاری اجتماعی- فرهنگی یا قابلیت اجتماعی. سازگاری روان‌شناختی به موضوعاتی مانند عزت نفس، رضایت از زندگی و نبود مشکلات روان‌شناختی نظیر نبود غم یا نگرانی‌های مکرر مربوط می‌شود (برومندزاده و نوبخت، ۱۳۹۳، صص. ۷۹-۷۷). در واقع، سازگاری روان‌شناختی فرایند پیچیده‌ای است که هدف آن کنار آمدن با تغییرات گسترده در محیط جدید است. سازگاری اجتماعی- فرهنگی نیز در ارتباط با مهارت‌های اجتماعی و یادگیری فرهنگی مطرح می‌شود و بر مهارت‌هایی تمرکز می‌کند که برای مواجهه با موقعیت‌های اجتماعی روزمره در یک فرهنگ جدید مورد نیاز است. به نظر برخی محققان، سازگاری اجتماعی- فرهنگی مقدم بر سازگاری روان‌شناختی است (طالبی و امیری مجد، ۱۳۹۸، صص. ۳۷-۲۳).

٤. ۳. هویت مکانی

هویت مکان، به‌عنوان مؤلفه‌ای از هویت شخصی تعریف شده است، فرایندی که از طریق آن و به واسطهٔ تعامل با مکان‌ها، افراد خودشان را از نظر تعلق به یک مکان خاص توصیف می‌کنند (هرناندز، هیدالگو، سالازار-لاپلاس و هِس[2]، ۲۰۰۷، ص. ۳۱۰). به عبارت دیگر، هویت مکانی، آن ابعادی از وجود است که هویت شخصی فرد را در ارتباط با محیط فیزیکی به وسیلهٔ الگوی پیچیده‌ای از آرمان‌ها، اعتقادات، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها، اهداف، و تمایلات و مهارت‌های رفتاری مرتبط با این محیط تعریف می‌کند (پروشانسکی[3]، ۱۹۷۸، ص. ۱۵۵). برخی محققان مانند پروشانسکی، فابیان و کامیناف[4] (۱۹۸۳) نظریهٔ هویت را در حوزهٔ روان‌شناسی محیطی گسترش داده‌اند و هویت مکانی را به‌عنوان اجتماعی شدن دنیای فیزیکی افراد مطرح نموده و این طور توضیح داده‌اند که هویت تنها به تمایز قائل شدن بین خود و

1. Berry
2. Hernández, Hidalgo, Salazar-Laplace & Hess
3. Proshansky
4. Proshansky, Fabian & Kaminoff

سایر افراد محدود نمی‌شود، بلکه نه با اهمیت کمتر، به اشیا و پدیده‌ها، و بسیاری از مکان‌ها و فضاها نیز گسترش می‌یابد (ص ۵۷). در واقع، هویت مکان به اجتماعی شدن افراد در ارتباط با فضاهای فیزیکی مربوط می‌شود. هویت‌های فردی بر اساس ویژگی‌های مکان تعریف می‌شوند؛ زیرا مکان‌ها باعث ایجاد تمایز، تداوم، عزت نفس و خودکارآمدی می‌شوند. هویت مکان بر وجود یک حس دلالت دارد که باعث می‌شود «مکان» به صورت بخشی از «هویت من» یا به صورت انتزاعی‌تر، بخشی از «من» پنداشته شود (کیان، ژو و لیو، ۲۰۱۱، ص. ۱۷۱).

هویت مکانی مفهومی است که به روابط مردم و مکان‌ها اشاره دارد. واژهٔ «هویت» به دو موضوع اشاره دارد: همانندی (پیوستگی) و تمایز (منحصر به فرد بودن)؛ بنابراین، عبارت «هویت مکانی» هر دو جنبه را در بر می‌گیرد. در واقع، هنگامی که مفهوم هویت در ارتباط با مکان به کار می‌رود، روی هم رفته ممکن است دو معنی متفاوت را القا کند. در یک معنی، هویت معطوف به مکان است و به معنای مجموعه‌ای از ویژگی‌های مکان است که بر تمایز و پیوستگی مکان دلالت دارند. خصلت منحصر به فرد بودن یک مکان نیز به هویت مکان اشاره دارد. هویت مکانی در رویکرد روان‌شناسان، به‌عنوان یک ویژگی شخص پنداشته می‌شود، نه مکان (لویکا[1]، ۲۰۰۸، ص. ۲۱۱). به طور خلاصه، منظور از هویت مکانی شیوه‌ای است که یک مکان، هویت شخص یا مردم را آشکار می‌کند (شمس‌الدین و اوجانگ[2]، ۲۰۰۸، ص. ٤۰۰). در واقع، هویت مکانی، به آن ابعادی از وجود فرد - مانند مجموعه‌ای از احساسات دربارهٔ محیط فیزیکی و ارتباطات نمادین با مکان – اشاره دارد که مشخص می‌کنند ما چه کسی هستیم (ریموند، براون و وبر[3]، ۲۰۱۰، ص. ٤۲۳). هویت مکان از طریق یک آشنایی عمیق با محیط، یک ادراک جسمانی، احساساتی و خودآگاهی درونی و اجتماعی ایجاد می‌شود که عمدتاً ناشی از عادت افراد به محیط فیزیکی پیرامون آن‌هاست (چاو و هیلی[4]، ۲۰۰۸، ص. ۳٦۳). هویت مهاجران توسط شرایط سیاسی و اقتصادی خاصی شکل می‌گیرد که تحت آن اعتقادات و رفتارهای خاص به عنوان نشانگرهای مرزی عمل می‌کنند. هنگامی که مرزها

---

1. Lewicka
2. Shamsuddin & Ujang
3. Raymond, Brown & Weber
4. Chow & Healey

گسترش می‌یابند و نشانگرها تغییر می‌کنند، آن‌ها باید هویت خود را بازسازی کرده و جای خود را در جامعهٔ بزرگتر بازیابند (لیو[1]، ۲۰۱۵، ص. ۲۸).

۵. یافته‌های تحقیق

نمونهٔ مورد مطالعه شامل ۱۸٦ نفر زن (٤۸/۳ درصد) و ۱۹۹ نفر مرد (۵۱/۷ درصد) با میانگین سنی ۳٦ سال می‌باشد. حداقل و حداکثر سن پاسخ‌گویان به ترتیب ۱۸ و ٦٤ سال بوده است. کمترین مدت اقامت پاسخ‌گویان در شهر اصفهان یک سال، بیشترین مدت اقامت ۳۷ سال و میانگین مدت اقامت نیز حدود ۹ سال بوده است. بررسی ترکیب پاسخ‌گویان از نظر مبدأ مهاجرت نشان داد که ۳۷/۹ درصد افراد از سایر سکونتگاه‌های داخل استان اصفهان به شهر اصفهان مهاجرت نموده‌اند؛ مبدأ مهاجرت ۳۰/۱ درصد افراد استان‌های هم‌جوار استان اصفهان بوده و مابقی (۳۱/۹ درصد) نیز از سایر استان‌های کشور به این شهر مهاجرت نموده‌اند. بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌گویان متأهل بوده‌اند. میانگین بعد خانوار مهاجران ۳/۹ می‌باشد. سطح تحصیلات ۷٦ درصد از پاسخ‌گویان، دیپلم و پایین‌تر بوده و حدود ۲٤ درصد تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند.

میانگین متغیرهای سه‌گانهٔ سازگاری مهاجران شامل سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی به ترتیب برابر با ۳/۷۳، ۳/۸۸ و ۳/۹۱ می‌باشد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت در نمونهٔ مورد مطالعه، میزان سازگاری محیطی مهاجران از سازگاری اجتماعی و روانی آن‌ها بیشتر بوده است، هرچند که تفاوت قابل ملاحظه‌ای در مقادیر مذکور وجود ندارد. بیشترین انحراف معیار متغیرها مربوط به سازگاری محیطی با مقدار ۰/۷۳ می‌باشد. انحراف معیار متغیرهای سازگاری روانی و اجتماعی نیز به ترتیب ۰/٦۹ و ۰/٦۷ بوده است. متغیر هویت مکانی نیز دارای مقدار میانگین ۳/۱۷ و انحراف معیار ۰/۹۰ می‌باشد. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای در سطح اطمینان ۹۵ درصد حاکی از تفاوت معنادار مقادیر میانگین متغیرهای سه‌گانهٔ سازگاری و همچنین هویت مکانی با مقدار متوسط می‌باشد ($p\text{-value} < 0.001$)؛ به عبارتی، این طور استنباط

1. Liu

می‌گردد که در جامعهٔ آماری، میزان سازگاری و هویت مکانی مهاجران از حد متوسط بالاتر است.

۵. ۱. اثر سازگاری روانی، محیطی و اجتماعی مهاجران بر هویت مکانی

نتایج بهره‌گیری از روش تحلیل رگرسیون چندگانهٔ هویت مکانی (متغیر وابسته) و متغیرهای سه‌گانهٔ سازگاری مهاجران شامل سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی (متغیرهای مستقل) نشان داد که بر اساس ضریب رگرسیونیِ محاسبه‌شده (R=0.720)، سازگاری مهاجران در ابعاد ذکرشده قابلیت تبیین و پیش‌بینی هویت مکانی را دارا می‌باشد. ضریب تعیین مربوطه نیز حاکی از آن است که ۵۱/۸ درصد واریانس هویت مکانی توسط واریانس سازگاری روانی، محیطی و اجتماعی تبیین می‌شود (R^2=0.518). قابل ذکر است ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۵۱٤ و خطای استاندارد برآورد برابر با ۰/٦۳۰ می‌باشد (جدول ۱).

جدول ۱- خلاصهٔ مدل رگرسیون سازگاری و هویت مکانی مهاجران

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

مدل	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۷۲۰	۰/۵۱۸	۰/۵۱٤	۰/٦۳۰

بررسی معناداری آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد نیز نشان می‌دهد که اثر ابعاد سه‌گانهٔ سازگاری مهاجران بر هویت مکانی معنادار است ($p\text{-value} < 0.001$). ضرایب اثر متغیرهای سازگاری بر هویت مکانی در جدول ۲ ارائه شده است. بررسی ضرایب استاندارد متغیرها نشان می‌دهد که در نمونهٔ آماری، سازگاری روانی با ضریب بتای استاندارد ۰/٤۱۳ بیشترین تأثیر را بر هویت مکانی مهاجران دارد و اثر متغیرهای سازگاری اجتماعی و محیطی تقریباً برابر است. با توجه به این که سطح معناداری آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد، برای ضریب اثر هر یک از متغیرهای مستقل کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نتایج به دست آمده معنادار تلقی می‌گردد. بنابراین، می‌توان گفت سازگاری مهاجران در هر یک از ابعاد روانی، اجتماعی و محیطی اثر مثبت و معناداری بر هویت مکانی آن‌ها دارد.

جدول ۲- ضرایب اثر متغیرهای سازگاری بر هویت مکانی در تحلیل رگرسیون

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

مدل		ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	t	سطح معناداری	فواصل اطمینان ضرایب بتای استاندارد	
		B	Std. Error	Beta			کران پایین	کران بالا
۱	مقدار ثابت	−۰/۶۸۱	۰/۱۹۸		−۳/۴۴۷	۰/۰۰۱	−۰/۰۷۰	۰/۰۷۰
	سازگاری روانی	۰/۵۴۳	۰/۰۸۴	۰/۴۱۳	۶/۴۸۳	<۰/۰۰۱	۰/۲۸۸	۰/۵۳۹
	سازگاری اجتماعی	۰/۲۴۴	۰/۰۷۶	۰/۱۸۲	۳/۲۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۷۰	۰/۲۹۳
	سازگاری محیطی	۰/۲۲۴	۰/۰۸۳	۰/۱۸۲	۲/۷۰۱	۰/۰۰۷	۰/۰۴۹	۰/۳۱۴

پس از مشخص نمودن وضعیت معناداری اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و به منظور بررسی تفاوت معنادار ضرایب اثر متغیرهای سازگاری بر هویت مکانی، فاصلهٔ اطمینان ضرایب بتای استاندارد هر یک از متغیرها بدین شرح محاسبه گردید: سازگاری روانی [0.288 , 0.539]، سازگاری اجتماعی [0.070 , 0.293]، سازگاری محیطی [0.049 , 0.314]. با توجه به هم‌پوشانی ضرایب مذکور، تفاوت شدت اثر متغیرهای سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی مهاجران بر هویت مکانی آن‌ها به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. به هر حال صرف نظر از مسئلهٔ تفاوت شدت اثر متغیرها، نتایج تحلیل رگرسیون انجام‌شده در خصوص اثر مثبت و معنادار سازگاری مهاجران بر هویت مکانی حائز اهمیت است.

۵. ۲. بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر جنس در رابطهٔ میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران

نتایج بررسی نقش تعدیل‌گری جنس پاسخ‌گویان در رابطهٔ میان سازگاری مهاجران و هویت مکانی آن‌ها در جدول ۳ ارائه شده است. ضریب رگرسیون اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری روانی، جنس، و تعامل جنس و سازگاری روانی برابر با ۰/۶۹۷ و ضریب تعیین مربوطه ۰/۴۸۶ می‌باشد. با توجه به P-value به دست آمده که کوچکتر از ۰/۰۰۱ می‌باشد، اثر ترکیبی سه متغیر مذکور در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار تلقی می‌گردد. ضریب رگرسیون اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری اجتماعی، جنس و تعامل جنس و سازگاری اجتماعی ۰/۶۲۴ و ضریب تعیین مربوطه ۰/۳۸۹ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار است (P-value

0.001 >). اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری محیطی، جنس و تعامل جنس و سازگاری محیطی نیز نتایج مشابهی را نشان می‌دهد؛ بدین ترتیب که ضریب رگرسیون محاسبه‌شده برابر با ۰/۶۵۸ و ضریب تعیین ۰/۴۳۳ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار است (P-value < 0.001).

جدول ۳- اثر ترکیبی متغیر جنس و ابعاد مختلف سازگاری بر هویت مکانی

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

پارامتر	R	R-sq	MSE	F	df1	df2	p
اثر ترکیبی P و G و PG	۰/۶۹۷	۰/۴۸۶	۰/۴۲۳	۱۲۰/۲۰۱	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی S و G و SG	۰/۶۲۴	۰/۳۸۹	۰/۵۰۴	۸۰/۸۱۷	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی E و G و EG	۰/۶۵۸	۰/۴۳۳	۰/۴۶۸	۹۶/۸۲۳	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱

P: سازگاری روانی؛ S: سازگاری اجتماعی؛ E: سازگاری محیطی؛ G: جنس؛ PG: تعامل جنس و سازگاری روانی؛ SG: تعامل جنس و سازگاری اجتماعی؛ EG: تعامل جنس و سازگاری محیطی

با وجود آنکه معنادار بودن اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری (در ابعاد سه‌گانه)، جنس، و تعامل جنس و ابعاد مختلف سازگاری تأیید گردید، ولیکن اثر متغیر تعاملی جنس و ابعاد سه‌گانهٔ سازگاری معنادار نمی‌باشد. ضریب اثر متغیر تعاملی جنس و سازگاری روانی برابر با ۰/۰۱۳- است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نمی‌باشد (P-value=0.890). ضریب اثر متغیر تعاملی جنس و سازگاری اجتماعی برابر با ۰/۲۰۰ می‌باشد؛ با توجه به اینکه P-value مربوطه برابر با ۰/۰۶۴ و بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، اثر مذکور معنادار تلقی نمی‌گردد. ضریب اثر متغیر تعاملی جنس و سازگاری محیطی نیز برابر با ۰/۰۶۳ محاسبه گردید که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نمی‌باشد (P-value=0.508). معنادار نبودن اثر متغیرهای تعاملی «جنس و سازگاری روانی»، «جنس و سازگاری اجتماعی» و «جنس و سازگاری محیطی» به معنای رد تعدیل‌گر بودن متغیر جنس در رابطهٔ میان ابعاد مختلف سازگاری مهاجران و هویت مکانی آن‌هاست.

۵. ۳. بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر سن در رابطهٔ میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران

سن پاسخ‌گویان به‌عنوان یکی دیگر از متغیرهایی که احتمال داده می‌شد در رابطهٔ میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر عمل کند، مورد مطالعه قرار گرفت. در این راستا، نقش تعدیل‌گری سن برای هر یک از ابعاد سازگاری به طور جداگانه بررسی شد که نتایج آن در جدول ٤ ارائه شده است. اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری روانی، سن، و تعامل سن و سازگاری روانی دارای ضریب رگرسیون ۰/٦۹۹ و ضریب تعیین ۰/٤۸۸ در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است (P-value < 0.001). اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری اجتماعی، سن، و تعامل سن و سازگاری اجتماعی نیز با توجه به ضریب رگرسیون ۰/٦۳۱، ضریب تعیین ۰/۳۹۸ به لحاظ آماری معنادار تلقی می‌گردد (P-value < 0.001). به طور مشابه، اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری محیطی، سن و تعامل سن و سازگاری محیطی نیز معنادار می‌باشد (ضریب رگرسیون ۰/٦٦۹، ضریب تعیین ۰/٤٤۸ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱>).

جدول ٤- اثر ترکیبی متغیر سن و ابعاد مختلف سازگاری بر هویت مکانی

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

پارامتر	R	R-sq	MSE	F	df1	df2	p
اثر ترکیبی P و A و PA	۰/٦۹۹	۰/٤۸۸	۰/٤۲۲	۱۲۱/۲۲۷	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی S و A و SA	۰/٦۳۱	۰/۳۹۸	۰/٤۹٦	۸۳/۹٥۹	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی E و A و EA	۰/٦٦۹	۰/٤٤۸	۰/٤٥٥	۱۰۲/۹۳۲	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
P: سازگاری روانی؛ S: سازگاری اجتماعی؛ E: سازگاری محیطی؛ A: سن؛ PA: تعامل سن و سازگاری روانی؛ SA: تعامل سن و سازگاری اجتماعی؛ EA: تعامل سن و سازگاری محیطی							

هر چند نتایج حاکی از معنادار بودن اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری (روانی، اجتماعی و محیطی)، سن، و تعامل سن و سازگاری می‌باشد، به منظور آزمون نقش تعدیل‌گری متغیر سن در رابطهٔ میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران، معناداری اثر متغیر تعاملی سن و ابعاد سازگاری بررسی شد. ضریب اثر متغیر تعاملی سن و سازگاری روانی ۰/۰۰۲ با سطح معنی‌داری ۰/٦۹۱ حاکی از عدم تأیید نقش تعدیل‌گری سن در رابطهٔ میان سازگاری روانی و هویت مکانی است. ضریب اثر متغیر تعاملی سن و سازگاری اجتماعی نزدیک به صفر می-

باشد (P-value=0.990) و در نتیجه، فاقد معناداری است. متغیر تعاملی سن و محیطی نیز دارای ضریب اثر ۰/۰۰۲- که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۷۰۰، معنادار تلقی نمی‌گردد. با توجه به اینکه هیچ یک از ضرایب اثر متغیرهای تعاملی «سن و سازگاری روانی»، «سن و سازگاری اجتماعی» و «سن و سازگاری محیطی» معنادار نمی‌باشد، نقش تعدیل‌گری متغیر سن در رابطهٔ میان ابعاد مختلف سازگاری و هویت مکانی مهاجران تأیید نمی‌گردد.

۵. ٤. بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر تحصیلات در رابطهٔ میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران

در فرایند بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر تحصیلات در رابطهٔ میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران، نخست اثر ترکیبی ابعاد مختلف سازگاری و تحصیلات پاسخ‌گویان مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است. اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری روانی، تحصیلات و تعامل تحصیلات و سازگاری روانی دارای ضریب رگرسیون ۰/٦٩٤ و ضریب تعیین ۰/٤٨٢ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است (P-value < 0.001). اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری روانی، تحصیلات، و تعامل تحصیلات و سازگاری اجتماعی با ضریب رگرسیون ۰/٦٣٢ و ضریب تعیین ۰/۳۹۹ به لحاظ آماری معنادار تلقی می-گردد (P-value < 0.001). ضریب رگرسیون و ضریب تعیین اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری روانی، تحصیلات، و تعامل تحصیلات و سازگاری محیطی نیز به ترتیب برابر با ۰/٦٦٦ و ۰/٤٤٣ می‌باشد که اثر مذکور در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد (P-value < 0.001).

جدول ۵- اثر ترکیبی متغیر تحصیلات و ابعاد مختلف سازگاری بر هویت مکانی

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

پارامتر	R	R-sq	MSE	F	df1	df2	p
اثر ترکیبی P و T و PT	۰/٦٩٤	۰/٤٨٢	۰/٤٢٧	۱۱۸/۲۷۳	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی S و T و ST	۰/٦٣٢	۰/۳۹۹	۰/٤۹٥	۸٤/۲۷٤	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی E و T و ET	۰/٦٦٦	۰/٤٤٣	۰/٤٥۹	۱۰۱/۰٤۳	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱

P: سازگاری روانی؛ S: سازگاری اجتماعی؛ E: سازگاری محیطی؛ T: تحصیلات؛ PT: تعامل تحصیلات و سازگاری روانی؛ ST: تعامل تحصیلات و سازگاری اجتماعی؛ ET: تعامل تحصیلات و سازگاری محیطی.

پس از بررسی معناداری اثر ترکیبی ابعاد مختلف سازگاری و تحصیلات پاسخ‌گویان بر هویت مکانی، به منظور آزمون نقش تعدیل‌گری متغیر تحصیلات در رابطهٔ میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران، معناداری اثر متغیر تعاملی تحصیلات و ابعاد سازگاری بررسی شد. ضریب اثر هر سه متغیر تعاملی «تحصیلات و سازگاری روانی»، «تحصیلات و سازگاری اجتماعی» و «تحصیلات و سازگاری محیطی» حدود ۰/۰۰۲ می‌باشد که در بین آن‌ها تنها اثر متغیر تعاملی تحصیلات و سازگاری محیطی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. بنابراین، بر اساس یافته‌های به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت متغیر تحصیلات در رابطهٔ بین سازگاری محیطی و هویت مکانی مهاجران به عنوان تعدیل‌گر نقش ایفا می‌کند، در حالی که نقش تعدیل‌گری آن در رابطهٔ میان سازگاری روانی و هویت مکانی، و همچنین در رابطهٔ بین سازگاری اجتماعی و هویت مکانی تأیید نمی‌شود.

۵. ۵. بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر مدت اقامت در رابطهٔ میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران

نقش تعدیل‌گری متغیر مدت اقامت مهاجران در سکونتگاه مقصد در رابطهٔ میان ابعاد مختلف سازگاری و هویت مکانی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج به دست آمده (جدول ٦)، اثر ترکیبی مجموعهٔ متغیرهای سازگاری روانی، مدت اقامت، و تعامل مدت اقامت و سازگاری روانی دارای ضریب رگرسیون ۰/٦۹۳ و ضریب تعیین ۰/٤۸۱ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است ($P\text{-value} < 0.001$). ضریب رگرسیون اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری روانی، مدت اقامت، و تعامل مدت اقامت و سازگاری اجتماعی برابر با ۰/٦۲۵ و ضریب تعیین مربوطه ۰/۳۹۱ محاسبه گردید که سطح معنی‌داری آن ۰۰۰/ می‌باشد. در نتیجه، اثر مذکور به لحاظ آماری معنادار تلقی می‌گردد. به طور مشابه اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری روانی، مدت اقامت، و تعامل مدت اقامت و سازگاری محیطی با ضریب رگرسیون ۰/٦٦۳ و ضریب تعیین ۰/٤٤۰ نیز معنادار ارزیابی شد.

جدول ٦- اثر ترکیبی متغیر مدت اقامت و ابعاد مختلف سازگاری بر هویت مکانی

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

پارامتر	R	R-sq	MSE	F	df1	df2	p
اثر ترکیبی P و L و PL	۰/٦۹۳	۰/٤۸۱	۰/٤۲۸	۱۱۷/٥٤٤	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی S و L و SL	۰/٦۲٥	۰/۳۹۱	۰/٥۰۲	۸۱/٥۱۱	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی E و L و EL	۰/٦٦۳	۰/٤٤۰	۰/٤٦۲	۹۹/٥۹۹	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
P: سازگاری روانی؛ S: سازگاری اجتماعی؛ E: سازگاری محیطی؛ L: مدت اقامت؛ PL: تعامل مدت اقامت و سازگاری روانی؛ SL: تعامل مدت اقامت و سازگاری اجتماعی؛ EL: تعامل مدت اقامت و سازگاری محیطی.							

همان‌طور که ذکر گردید، یافته‌های پژوهش حاکی از معنادار بودن اثر ترکیبی ابعاد مختلف سازگاری و مدت اقامت پاسخ‌گویان بر هویت مکانی مهاجران می‌باشد. ولیکن، پذیرش نقش تعدیل‌گری مدت اقامت، منوط به معناداری اثر متغیر تعاملی مدت اقامت و ابعاد مختلف سازگاری است. ضریب اثر متغیر تعاملی مدت اقامت و سازگاری روانی ۰/۰۰۰۱- می‌باشد که این اثر به لحاظ آماری معنادار نیست (P-value=0.949). متغیر تعاملی مدت اقامت و سازگاری اجتماعی دارای ضریب اثر ۰/۰۰۰٤- و سطح معنی‌داری ۰/۷۱۹ است که بر این اساس، اثر مذکور نیز معنادار نمی‌باشد. در این میان، تنها اثر متغیر تعاملی مدت اقامت و سازگاری محیطی با ضریب منفی و ناچیز ۰/۰۰۲- در سطح اطمینان ۹٥ درصد معنادار تلقی می‌گردد (P-value=0.041).

٥. ٦. بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر مبدأ مهاجرت در رابطهٔ میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران

مبدأ استانی مهاجرت مهاجران به‌عنوان یکی دیگر از متغیرهای احتمالی با نقش تعدیل‌گری در رابطهٔ بین سازگاری و هویت مکانی مهاجران مورد مطالعه قرار گرفت. بدین منظور پاسخ‌گویان بر اساس مبدأ استانی آن‌ها به دو گروه مهاجران درون استانی و مهاجران بین استانی طبقه‌بندی شدند. نتایج ارائه‌شده در جدول ۷ نشان می‌دهد که اثر ترکیبی هر سه مجموعه متغیرهای «سازگاری روانی، مبدأ مهاجرت، و تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری روانی»، «سازگاری اجتماعی، مبدأ مهاجرت، و تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری اجتماعی» و «سازگاری محیطی، مبدأ مهاجرت، و تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری محیطی» در سطح

اطمینان ۹۵ درصد معنادار است (P-value < 0.001). در این میان، بیشترین ضریب تعیین مربوط به اثر ترکیبی سازگاری روانی، مبدأ مهاجرت، و تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری روانی و برابر با ۰/٤۸۲ می‌باشد.

جدول ۷- اثر ترکیبی متغیر مبدأ مهاجرت و ابعاد مختلف سازگاری بر هویت مکانی

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

پارامتر	R	R-sq	MSE	F	df1	df2	p
اثر ترکیبی P و O وPO	۰/٦۹٥	۰/٤۸۲	۰/٤٢٧	۱۱۸/۳٥۳	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی S و O و SO	۰/٦۱۸	۰/۳۸۲	۰/٥۰۹	۷۸/٥۷۰	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی E و O و EO	۰/٦٥٦	۰/٤۳۱	۰/٤٦۹	۹٦/۰٦٥	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱

P: سازگاری روانی؛ S: سازگاری اجتماعی؛ E: سازگاری محیطی؛ O: مبدأ مهاجرت؛ PO: تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری روانی؛ SO: تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری اجتماعی؛ EO: تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری محیطی.

به منظور تشخیص نقش تعدیل‌گری مبدأ مهاجرت در رابطهٔ بین سازگاری و هویت مکانی، معناداری اثر متغیر تعاملی مبدأ مهاجرت و ابعاد سه‌گانهٔ سازگاری مهاجران بررسی شد. ضریب اثر متغیر تعاملی مبدأ مهاجرت و سازگاری روانی برابر با ۰/۱۳۹- می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نمی‌باشد (P-value=0.180). متغیر تعاملی مبدأ مهاجرت و سازگاری اجتماعی نیز با ضریب اثر ۰/۰۲۳- و سطح معنی‌داری ۰/۸۳۹ فاقد نقش تعدیل‌گری است. متغیر تعاملی مبدأ مهاجرت و سازگاری محیطی دارای ضریب اثر ۰/۰۰۹- می‌باشد که آن هم به لحاظ آماری معنادار تلقی نمی‌گردد (P-value=0.931). بر این اساس، مبدأ استانی مهاجرت مهاجران را نمی‌توان به عنوان تعدیل‌گر در رابطهٔ سازگاری و هویت مکانی محسوب نمود.

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با مطالعهٔ نمونه‌ای متشکل از ۳۸٥ نفر، به بررسی ابعاد مختلف سازگاری مهاجران ساکن در شهر اصفهان و هویت مکانی آن‌ها پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مقدار میانگین متغیرهای سه‌گانهٔ سازگاری مهاجران شامل سازگاری روانی، اجتماعی و

محیطی بالاتر از حد متوسط بوده که در این میان، سازگاری محیطی نسبت به دو بعد دیگر سازگاری، وضعیت مطلوب‌تری داشته است. هویت مکانی پاسخ‌گویان نیز بالاتر از حد متوسط، ولیکن پایین‌تر از هر سه بعد سازگاری بوده است. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانهٔ هویت مکانی (متغیر وابسته) و متغیرهای سه‌گانهٔ سازگاری مهاجران شامل سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی (متغیرهای مستقل) نشان داد سازگاری مهاجران در ابعاد ذکرشده قابلیت تبیین و پیش‌بینی هویت مکانی را دارا می‌باشد. به طوری که حدود ۵۲ درصد از واریانس هویت مکانی مهاجران توسط واریانس سازگاری روانی، محیطی و اجتماعی تبیین می‌شود. بررسی ضرایب استاندارد متغیرها نشان می‌دهد که در نمونهٔ آماری سازگاری روانی بیشترین تأثیر را بر هویت مکانی مهاجران دارد و اثر متغیرهای سازگاری اجتماعی و محیطی تقریباً برابر است. ولیکن، تفاوت شدت اثر متغیرهای سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی مهاجران بر هویت مکانی به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. به هر حال صرف نظر از مسئلهٔ تفاوت شدت اثر متغیرها، نتایج تحلیل رگرسیون انجام‌شده در خصوص اثر مثبت و معنادار سازگاری مهاجران بر هویت مکانی حائز اهمیت است.

پس از تبیین اثر سازگاری مهاجران بر هویت مکانی، نقش تعدیل‌گری متغیرهای جنس، سن، تحصیلات، مدت اقامت و مبدأ مهاجرت در رابطهٔ بین ابعاد مختلف سازگاری و هویت مکانی بررسی شد. نتایج نشان داد که ضریب رگرسیون اثر ترکیبی هر گروه از متغیرهای زیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است: «متغیرهای سه‌گانهٔ سازگاری، جنس، و تعامل جنس و سازگاری»، «متغیرهای سه‌گانهٔ سازگاری، سن، و تعامل سن و سازگاری»، «متغیرهای سه‌گانهٔ سازگاری، تحصیلات، و تعامل تحصیلات و سازگاری»، «متغیرهای سه‌گانهٔ سازگاری، مدت اقامت، و تعامل مدت اقامت و سازگاری»، و «متغیرهای سه‌گانهٔ سازگاری، مبدأ مهاجرت، و تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری». هرچند نتایج حاکی از معنادار بودن اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری (روانی، اجتماعی و محیطی)، متغیرهای مورد آزمون نقش تعدیل‌گری و تعامل آن‌ها می‌باشد، ولیکن به منظور آزمون نقش تعدیل‌گری متغیرهای جنس، سن، تحصیلات، مدت اقامت و مبدأ مهاجرت در رابطهٔ میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران، معناداری اثر متغیر تعاملی هر یک از پنج متغیر مذکور و ابعاد سازگاری به طور جداگانه بررسی شد که نتایج آن

بدین شرح می‌باشد: نقش تعدیل‌گری متغیرهای جنس، سن و مبدأ استانی مهاجرت در رابطهٔ میان ابعاد مختلف سازگاری و هویت مکانی مهاجران تأیید نشد، درحالی‌که متغیرهای تحصیلات و مدت اقامت در رابطهٔ بین سازگاری محیطی و هویت مکانی مهاجران به‌عنوان تعدیل‌گر نقش ایفا می‌کنند.

با توجه به اینکه در مطالعات و تحقیقات پیشین تاکنون رابطهٔ بین سازگاری و هویت مکانی مهاجران مورد مطالعه قرار نگرفته و طبیعتاً نقش تعدیل‌گری متغیرهای مختلف در این رابطه نیز بررسی نشده است، امکان مقایسهٔ نتایج حاصل از مطالعات در مناطق مختلف وجود ندارد. عمده مطالعات مرتبط با موضوع حاضر، به بررسی اثر متغیرهایی نظیر مدت اقامت، سن، تحصیلات و غیره بر سازگاری مهاجران محدود می‌شود. به اعتقاد بسیاری از محققان، پس از سال‌ها زندگی در یک مکان، آشنایی موجب پذیرش و حتی دلبستگی می‌شود (تیلور، گاتفردسون و براوور[1]، ۱۹۸٤). این در حالی است که نتایج مطالعهٔ بوگاک[2] (۲۰۰۹) در خصوص جابجایی غیر ارادی مهاجران قبرس ترک از جنوب به بخش شمالی جزیره قبرس، نشان داد که مهاجران ساکن‌شده در شهر پافوس حتی پس از گذشت ۳٤ سال با محیط سکونتی جدید خود سازگار نشده بودند. گلدلاست و ریچموند (۱۹۷٤) نیز در مطالعه‌ای پیرامون سازگاری مهاجران در کشور کانادا دریافتند که متغیرهای سن، سن در زمان مهاجرت، مدت اقامت در سکونتگاه مقصد و سطح تحصیلات اثر مهمی بر ماهیت سازگاری مهاجران دارد. در خصوص اثر سواد و تحصیلات مهاجران بر سازگاری، ابریشمی، برخورداری و قباشی (۱۳۹۷) نیز اظهار داشته‌اند افراد باسوادتر موقعیت‌های شغلی را که در دیگر مناطق وجود دارد، راحت‌تر شناسایی می‌کنند و نحوهٔ برخورد آن‌ها با موقعیت‌های جدید متفاوت خواهد بود. به عبارتی، مهاجرانی که سطح تحصیلات بالاتری دارند، هم در شناسایی مقصد مناسب برای مهاجرت و هم در فرایند سازگاری با محیط جدید، توانایی بیشتری دارند.

سازگاری مهاجران و احساس هویت مکانی آن‌ها نسبت به جامعهٔ مقصد از دو جنبه حائز اهمیت است. از یک طرف، سازگاری مهاجران می‌تواند در بهبود کیفیت زندگی و احساس

1. Taylor, Gottfredson & Brower
2. Boğaç

رضایتمندی آنان تأثیر داشته باشد؛ ضمن آن که احساس هویت مکانی نسبت به سکونتگاه فعلی، آن‌ها را در تعامل مثبت و سازنده‌تری با محیط قرار می‌دهد. از طرف دیگر، سازگاری مهاجران برای جامعهٔ مقصد نیز حائز اهمیت فراوانی است. بدین ترتیب که هرچه مهاجران بتوانند با شرایط محیط و جامعهٔ جدید، بهتر و بیشتر سازگار شوند، مشکلات محیطی و تنش-های اجتماعی کمتری متأثر از ورود مهاجران روی خواهد داد. همچنین با توسعه و قوی‌تر شدن حس هویت مکانی مهاجران، پیوندهای احساسی و تعلق خاطر آن‌ها نسبت به محیط و جامعه افزایش خواهد یافت که در نتیجهٔ آن، مهاجران نسبت به وضعیت محیط بی‌تفاوت نخواهند بود و احتمالاً انگیزه‌های بیشتری برای تلاش و مشارکت فعال و مؤثر در جهت بهبود کیفیت محیط خواهند داشت. قابل ذکر است که هرچند به دلیل پیامدهای قابل توجه مهاجران بر جوامع مقصد، بحث پیرامون سازگاری، هویت مکانی و به طور کلی موضوعات مرتبط با وضعیت مهاجران در سکونتگاه‌های میزبان، از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت فراوان است، ولیکن به موازات پرداختن به موضوعات مذکور، لازم است همواره مسئلهٔ اصلی مطرح در باب مهاجرت‌های روستا- شهری به‌ویژه مهاجرت به مقصد شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها یعنی لزوم بهبود برخورداری و توسعهٔ جوامع کوچک مورد توجه خاصی قرار گیرد. به طوری که از یک طرف، جوامع روستایی و شهرهای کوچک با برخوردی از امکانات و خدمات، از توسعهٔ مطلوب بهره‌مند گردند و در نتیجه، از میزان مهاجرفرستی آن‌ها تا حد قابل ملاحظه‌ای کاسته شود و از طرف دیگر، در جوامعی که در گذشته با نرخ مهاجرپذیری بالایی روبرو بوده-اند و در حال حاضر ترکیب متنوعی از جمعیت را در خود دارند، سازگاری و هویت مکانی مهاجران بتواند به‌عنوان عاملی در جهت کاهش میزان مشکلات محیطی و اجتماعی عمل کند.

کتاب‌نامه

۱. ابریشمی، ح.، برخورداری، س.، و قباشی، ع. (۱۳۹۷). تأثیر مهاجرت از روستا به شهر بر نابرابری درآمدی: مورد مطالعهٔ مناطق روستایی ایران. *فصل‌نامهٔ مدل‌سازی اقتصادسنجی*، ۳(۳)، ۶۲-۳۹.

۲. ایمان، م. ت.، و مرادی، گ. م. (۱۳۸۸). بررسی رابطهٔ بین راهبردهای فرهنگ‌پذیری و سلامت روانی در میان مهاجران: نمونهٔموردی مطالعهٔ شهر کرمانشاه. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰ (۳۳)، ۱۷۰-۱۴۷.

۳. برومندزاده، م. ر.، و نوبخت، ر. (۱۳۹۳) مروری بر نظریات جدید مطرح‌شده در حوزهٔ مهاجرت. *دوفصل‌نامهٔ جمعیت، ۲۱*(۸۹ ۹۰)، ۹۰-۷۳.

٤. جمالی، ف. (۱۳۸۱). مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران. *نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تبریز، ٤٥*(۱۸۲)، ۸۱-٦۱.

۵. ربانی، ر.، و پالیزدان، ا. (۱۳۸۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در فرهنگ‌پذیری مهاجران شهر فیروزآباد، *پژوهش‌نامهٔ علوم انسانی و اجتماعی، ٤*(۱٤)، ٦۵-٤۱.

٦. رستمعلی‌زاده، و. ا. (۱۳۹٦). جاذبه و دافعهٔ روستایی و تأثیر آن بر ماندگاری یا تمایل به مهاجرت در میان جوانان روستایی شهرستان‌های هشترود و اسکو. *مجلهٔ توسعهٔ محلی (روستایی-شهری)، ۹*(۱)، ۱۷۰-۱٤۵.

۷. شهرداری اصفهان. (۱۳۹٤). اطلس کلان‌شهر اصفهان، شهرداری اصفهان. معاونت برنامه‌ریزی، پژوهش و فناوری اطلاعات شهرداری اصفهان.

۸. طالبی، ل.، و امیری مجد، م. (۱۳۹۸). پیش‌بینی سازگاری روان‌شناختی نوجوانان مهاجر بر اساس مهارت‌های مقابله‌ای، فاصلهٔ اجتماعی و سازگاری اجتماعی- فرهنگی. *دوفصل‌نامهٔ* روان‌شناسی فرهنگی،۳(۱)، ٤۰-۲۳.

9. Boğaç, C. (2009). Place attachment in a foreign settlement. *Journal of Environmental Psychology*, *29*(2), 267-278.
10. Cárdenas, D., & Verkuyten, M. (2019). Immigrants’ behavioral participation and its relation with national identification: Perceived closeness to the prototype as a psychological mechanism. *Self and Identity*, *19*(6), 1-19.
11. Chow, K., & Healey, M. (2008). Place attachment and place identity: First-year undergraduates making the transition from home to university. *Journal of Environmental Psychology*, *28*(4), 362-372.
12. Fawcett, J. T. (1985). Migration psychology: New behavioral models. *Population and Environment*, *8*(1-2), 5-14.
13. Goldlust, J., & Richmond, A. H. (1974). A multivariate model of immigrant adaptation. *International Migration Review*, *8*(2), 193-225.
14. Gurieva, S., Kõiv, K., & Tararukhina, O. (2020). Migration and Adaptation as Indicators of Social Mobility Migrants. *Behavioral Sciences*, *10*(1), 2-12.
15. Haghighatian, M.., Ghazanfari, A., & Taghavi, S. A. (2008) Investigating the factors affecting the cultural adaptation of immigrants of Ghaemiyeh city. *Semi-Annually Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, *27*(54), 63-79.

16. Hamberger, A. (2009). Thematic articles–identity, integration, and citizenship. *Journal of Identity and Migration Studies, 3*(2), 2-21.
17. Hernández, B., Hidalgo, M. C., Salazar-Laplace, M. E., & Hess, S. (2007). Place attachment and place identity in natives and non-natives. *Journal of Environmental Psychology*, *27*(4), 310-319.
18. Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of Environmental Psychology, 28*(3), 209-231.
19. Liu, S. (2015). Searching for a sense of place: Identity negotiation of Chinese immigrants. *International Journal of Intercultural Relations, 46*, 26-35.
20. McLeman, R. A., & Hunter, L. M. (2010). Migration in the context of vulnerability and adaptation to climate change: insights from analogues. *Wiley Interdisciplinary Reviews: Climate Change, 1*(3), 450-461.
21. Penninx, R. (2019). Problems of and solutions for the study of immigrant integration. *Comparative Migration Studies, 7*(1), 1-11.
22. Portes, A., & Rivas, A. (2011). The adaptation of migrant children. *The Future of Children*, 219-246.
23. Proshansky, H. M. (1978). The city and self-identity. *Environment and Behavior, 10*(2), 147-169.
24. Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (1983). Place identity: Physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*, *3*, 57–83.
25. Qian, J., Zhu, H., & Liu, Y. (2011). Investigating urban migrants' sense of place through a multi-scalar perspective. *Journal of Environmental Psychology*, *31*(2), 170-183.
26. Raymond, C. M., Brown, G., & Weber, D. (2010). The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *Journal of Environmental Psychology, 30*(4), 422-434.
27. Shamsuddin, S., & Ujang, N. (2008). Making places: The role of attachment in creating the sense of place for traditional streets in Malaysia. *Habitat International*, *32*(3), 399-409.
28. Sonn, C. C. (2002). Immigrant adaptation: Understanding the process through sense of community. In *Psychological sense of community: Research, applications, & implications* (pp. 141-160). New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers.
29. Taylor, R. B., Gottfredson, S. D., & Brower, S. (1984). Block crime and fear: defensible space, local social ties, and territorial functioning. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, *21*, 303–331.
30. Tuan, Y. (1974). *Topophilia*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, Inc.
31. Virupaksha, H., Kumar, A., & Nirmala, B. P. (2014). Migration and mental health: An interface. *Journal of Natural Science, Biology, and Medicine, 5*(2), 233-239.

32. Williams, N. E., Thornton, A., & Young-DeMarco, L. C. (2014). Migrant values and beliefs: How are they different and how do they change? *Journal of Ethnic and Migration Studies, 40*(5), 796-813.